

بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی، اجتناب مالیاتی و معاملات با اشخاص وابسته با ارزش شرکت: آزمون نظریه اقتصاد سیاسی در بورس اوراق بهادار تهران

علیرضا سامانیان

مدرس دانشگاه و رئیس امور مالیاتی، اداره کل امور مالیاتی استان خوزستان، اهواز، ایران
samaniyan_2000@yahoo.com

امیرعلی بندریان

مدرس دانشگاه و حسابرس ارشد مالیاتی، اداره کل امور مالیاتی استان خوزستان، اهواز، ایران (نویسنده مسئول).
bandari_amirali@yahoo.com

دکتر کورش مسیحی پور

دکتری حسابداری و رئیس گروه مالیاتی، اداره کل امور مالیاتی استان خوزستان، اهواز، ایران.
mashipor_tax@yahoo.com

شماره ۳۵ / زمستان ۱۳۹۹ (جلد سوم) / صص ۱۵-۳۳
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره سوم)

چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی، اجتناب مالیاتی و معاملات با اشخاص وابسته با ارزش شرکت با تأکید بر نظریه اقتصاد سیاسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. جامعه آماری پژوهش با استفاده از اطلاعات ۱۲۵ شرکت طی بازه زمانی از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۷ با بوده و آزمون فرضیه‌ها از طریق رگرسیون چندگانه و به روش حداقل مربعات تعمیم یافته (EGLS) باچیدمان داده‌های تابلویی با رویکرد اثرات ثابت صورت پذیرفت. نتایج پژوهش نشان داد که ارتباطات سیاسی، اجتناب مالیاتی و معاملات با اشخاص وابسته بر ارزش شرکت تأثیر منفی و معنی‌داری دارند. همچنین ارتباطات سیاسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و اجتناب مالیاتی با ارزش شرکت را تشدید می‌کند به گونه‌ای که وجود معاملات با اشخاص وابسته در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی، منجر به کاهش ارزش شرکت می‌شود. این نتایج گویای این واقعیت است که شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی قوی، احتمال بیشتری وجود دارد که معاملات با اشخاص وابسته شرکت را خارج از روال عادی انجام دهند. وجود رابطه منفی بین معاملات با اشخاص وابسته و ارزش شرکت حاکی از تأیید تئوری نمایندگی بوده که بیان می‌دارد این گونه معاملات در راستای فرصت‌طلبی مدیریت و کسب منافع شخصی برای مدیران به کار گرفته می‌شود و موجب متضرر شدن شرکت و سهام‌داران می‌گردد. همچنین در شرکت‌هایی که مدیران آن علاوه بر داشتن ارتباطات سیاسی به دنبال اهداف اجتناب مالیاتی نیز هستند ارزش شرکت کاهش می‌یابد. به این دلیل که مدیران شرکت‌های دولتی دارای افق تصمیم‌گیری کوتاه‌مدت بوده و تلاش می‌نمایند تا به هر طریق ممکن از جمله دست‌کاری و مدیریت سود، عملکرد دوره جاری و در نتیجه پاداش خود را افزایش و میزان مالیات قابل پرداخت را کاهش یا به تعویق بیندازند که این مساله در نهایت منجر به کاهش ارزش شرکت می‌شود. به طور کلی مطابق نظریه اقتصاد سیاسی به دلیل حمایت دولت از ارتباطات سیاسی در شرکت‌هایی که روابط سیاسی حاکم است، محیط عملیاتی شفاف نیست. در نتیجه

کیفیت اطلاعات در شرکت‌های دارای اطلاعات سیاسی پایین تر از سایر شرکت بوده و در نتیجه منجر به کاهش ارزش شرکت می‌شود.

کلید واژگان: ارتباطات سیاسی، اجتناب مالیاتی، معاملات با اشخاص وابسته، ارزش شرکت.

مقدمه

یکی از مهمترین ویژگی‌های بازار سرمایه هر کشور؛ تاثیر پذیری از مسایل سیاسی است. تغییرات سیاسی در بدنه حاکمیت از آنجا که تغییراتی در دیدگاه‌های اقتصادی در پی دارد تاثیر ملموس و سریعی بر بورس اوراق بهادار می‌گذارد. استدلال بر این است که شرکت‌های دارای روابط گسترده سیاسی، به دلیل برخورداری از شرایط خاص، هزینه‌های کمتری را متحمل می‌شوند. واحدهای تجاری نیز تمایل زیادی به برقراری ارتباط نزدیک با دولت و سیاستمداران دارند (رهنمای رودپشتی و محسنی، ۱۳۹۷). زیرا این روابط منافع زیادی نظیر امتیاز دسترسی به بازارهای داخلی و بین‌المللی، تخفیف‌های مالیاتی، دسترسی آسان‌تر به اعتبارات و تامین مالی، یارانه‌های دولتی در پی دارد، در عوض در شرکت‌های دارای روابط سیاسی ممکن است منافع به دست آمده ناشی از این روابط را با سیاستمداران تسهیم نمایند. این نوع بافت اقتصادی در سطح یک جامعه، "اقتصاد مبتنی بر رابطه" نامیده می‌شود (ونگ و همکاران، ۲۰۲۰). در نظام‌های اقتصادی مبتنی بر روابط، ارتباط سیاسی یک منبع مهم ارزش برای شرکت‌های دارای این روابط است (لی و وانگ، ۲۰۱۶). حمایت سیاسی دولت، ممکن است منجر به ایجاد ارزش برای شرکت شود. برای مثال، شرکت‌هایی که از ارتباط خوبی با دولت برخوردارند، مالیات کمتری می‌پردازند، سهم بازار بیشتری دارند، وام‌های بانکی با سهولت بیشتری برای آنان فراهم می‌شود، دولت در عرضه عمومی سهام، به آن‌ها کمک می‌کند و نسبت به سایر شرکت‌ها، آسان‌تر و با پرداخت هزینه کمتری از امتیازهای مهم بهره‌مند می‌شوند (ونگ و همکاران، ۲۰۲۰). شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی از منافع "بودجه نرم" بهره‌مند می‌گردند. بودجه نرم اشاره به جلب حمایت سیاسی و بهره‌مندی از مزایای این حمایت‌ها دارد که این موضوع منجر به افزایش ارزش شرکت آنها می‌شود (کیم و ژانگ، ۲۰۱۶).

دولت و نهاد های شبه دولتی در ایران در ساختار مالکیت و مدیریت شرکت‌ها از نقش مهمی برخوردار هستند و به دلیل برخورداری آن‌ها از منابع مالی و نفوذ سیاسی، ساختار مالکیت در ایران تا اندازه زیادی محدود به دولت و نهاد های شبه دولتی می‌باشد، لذا استفاده از نظریه اقتصاد سیاسی برای شرح رفتار متغیرهای اقتصادی و مالی از توجیه کافی برخوردار است. اقتصاد سیاسی به پدیده‌هایی اشاره می‌کند که در کانون توجه رشته‌های اقتصاد و سیاست قرار دارد (دیدار و همکاران، ۱۳۹۸). اقتصاد سیاسی به دنبال توضیح روابط متقابل اقتصاد و سیاست بر یکدیگر می‌باشد. فرضیه بنیادی در این نظریه این است که، در قلمرو سیاست نیز همانند قلمرو اقتصاد، افراد و واحدهای تصمیم‌گیرنده، به دنبال حداکثر کردن توابع هدف خود با توجه به محدودیت‌ها می‌باشند (جیانگ و همکاران، ۲۰۱۹). کارگزاران دولتی بر مبنای اصول و آموزه‌های لیبرالیسم خود جزیی از جامعه به شمار می‌آیند و خواهان حداکثر سازی منافع شخصی خود هستند؛ اما تناقضی که در اینجا وجود دارد این است که دولت و کارگزاران آن باید به فکر منافع اجتماع و حداکثرسازی آن باشند (آنینگ سجاتی، ۲۰۰۹). مطالعات تجربی حسابداری نشان داده است که ساختارهای اقتصادی و سیاسی نظیر حقوقی - قضایی، قوانین تجاری و مالیاتی، عرف، فرهنگ و نظام سیاسی در کنار فشار بازار سرمایه، رفتار مدیران، حساب‌رسان، سرمایه‌گذاران، تدوین‌کنندگان قوانین و

مقررات و دیگر فعالان بازار سرمایه را نسبت به گزارشگری مالی تحت تاثیر قرار می‌دهد. لذا بستر ظهور و حضور دولت، شامل نهادهای حکومتی در عرصه اقتصاد ایران به دلیل شرایط ویژه آن که متاثر از اتکای شدید به درآمدهای نفتی می‌باشد، همواره مهیا بوده است. در این محیط اقتصادی برای شرح و پیش‌بینی رفتار متغیرهای اقتصادی، می‌بایست آن دسته از ثوری‌هایی مورد توجه قرار گیرند که منعکس کننده واقعیات حاکم بر محیط اقتصادی باشند. لذا هدف کلی از این تحقیق در مرحله نخست بررسی تاثیر ارتباطات سیاسی، اجتناب مالیاتی و معاملات با اشخاص وابسته بر ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس می‌باشد. همچنین به عنوان هدف آرمانی، این تحقیق می‌تواند با آزمون فرضیه اقتصاد سیاسی در بازار سرمایه ایران، تاثیر ورود و نفوذ مراجع قدرت سیاسی بر ارزش شرکت را اندازه‌گیری نموده و بر اساس این نتایج راهکارهایی را برای اصلاح ساختار مدیریت و سرمایه شرکت‌ها، نحوه اداره و تغییر شرایط بازار به سمت یک بازار رقابتی و متقارن از لحاظ دسترسی به اطلاعات فراهم کرده. از منظر نوآوری موضوعی نیز انتظار می‌رود: (۱) نتایج پژوهش بتواند موجب بسط مبانی نظری پژوهش‌های گذشته در ارتباط با عوامل موثر بر ارزش شرکت شود. (۲) شواهدی ارائه شود تا ارتباط بین حرفه حسابداری با محیط سیاسی و اقتصادی کشور تشریح گردد و (۳) پژوهش حاضر موجب خلق ایده‌های نو در زمینه بررسی روابط موجود بین ارتباطات سیاسی و اقتصادی و حداکثر کردن ثروت سهامداران گردد.

مبانی نظری پژوهش

نظریه‌ی اقتصاد سیاسی، از نیمه‌ی دوم قرن بیستم با گسترش و نفوذ مکتب لیبرالیسم، وارد متون اقتصادی جهان شد (جیانگ و همکاران، ۲۰۱۹). این نظریه نه تنها مورد توجه اقتصاددانان و سیاستمداران واقع شده است، بلکه جامعه‌شناسان نیز آثاری در بسط و توضیح این نظریه ارائه داده‌اند. بر اساس این نظریه؛ اقتصاد و سیاست تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند. این به این معنا است که فعالیت و تصمیم‌گیری‌های سیاسی، تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر فعالیت‌های اقتصادی و بر عکس دارند (مهدی‌فرد و رویایی، ۱۳۹۴). به اعتقاد فیسمن (۲۰۰۱) روابط سیاسی در مقایسه با پایه‌های اقتصادی شرکت، عامل اصلی تعیین‌کننده سودآوری (عملکرد) شرکت در کشورهای آسیای شرقی و در حال توسعه است، او معتقد است که عملکرد شرکت‌های دارای روابط سیاسی به طور گسترده تحت تأثیر تصمیمات دولتی قرار دارد، که علائق آنها را مورد توجه قرار می‌دهد. در شرکت‌های دارای روابط سیاسی؛ دسترسی به منابع سرمایه بستگی زیادی به سود گزارش شده ندارد، زیرا روابط سیاسی منجر به دسترسی آسان به اعتبار و منابع سرمایه از بانک‌های تحت تملک دولت می‌گردد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۷).

وجود روابط بین شرکت‌ها و شخصیت‌های سیاسی، ناشی از نیازهای متعدد طرفین به یکدیگر است. شرکت‌ها به دلایلی از قبیل ضعف بازار در پشتیبانی از نیازهای واحدهای تجاری، مصون ماندن از هزینه‌های سیاسی و برخورداری از منابع اقتصادی و اطلاعاتی دولت، خواهان برقراری اینگونه روابط هستند (بوبری و همکاران، ۲۰۱۲). همچنین، بر مبنای تئوری وابستگی منابع، روابط سیاسی با فراهم نمودن منابع ارزشمند و کلیدی برای شرکت‌ها باعث کاهش عدم اطمینان در فضای کسب و کار می‌شود (حبیب و همکاران، ۲۰۱۸). طبق فرضیه ارتقای سیاسی، عملکرد مدیران شرکت‌های دولتی به طور عمده بر اساس معیارهای کوتاه‌مدت سنجیده می‌شود، بنابراین مدیران شرکت‌های دولتی تلاش می‌نمایند تا به هر طریق ممکن، عملکرد دوره جاری را بهبود بخشند و همین امر ارزش شرکت را در این گونه شرکت‌ها افزایش می‌دهد (ژو و لی، ۲۰۰۸). لینگ و همکاران (۲۰۱۶) بیان می‌کنند که داشتن روابط سیاسی قوی، سرمایه اجتماعی ارزشمندی برای شرکت‌ها و مدیران آنها

محسوب می‌شود. نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ارتباطات نزدیک سیاسی با دولت منجر به بهبود عملکرد مالی شرکت می‌شود (بوبری و همکاران، ۲۰۱۲؛ فاشو، ۲۰۱۰). با این وجود مطالعات دیگری نیز خلاف این موضوع را تایید کرده‌اند و بیان می‌دارند که ارتباطات سیاسی منجر به کاهش ارزش شرکت می‌شود (فاشو، ۲۰۰۶، و فن و همکاران، ۲۰۰۷). لینگ و همکاران (۲۰۱۶) بیان می‌کنند که شرکت‌هایی که دارای ارتباطات سیاسی قوی هستند، بازدهی کمتری نسبت به دیگر شرکت‌ها که دارای ارتباطات ضعیفی هستند دارند و شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی قوی، احتمال بیشتری وجود دارد که سرمایه‌های خود را بیش از حد سرمایه‌گذاری کنند (هارفورد، ۱۹۹۹، جنسن، ۱۹۸۶، مالمندینر و تات، ۲۰۰۸، لینگ و همکاران، ۲۰۱۶). به طور کلی همبستگی بین ارتباطات سیاسی و ارزش شرکت می‌تواند به صورت مستقیم بر وضعیت مالیاتی شرکت، حمایت‌های سیاسی دولتی از شرکت، اعتباردهی، تامین مالی، محیط اطلاعاتی، شفافیت اطلاعات، تقارن اطلاعاتی، سودآوری، نوع معاملات با اشخاص وابسته و همچنین به صورت غیرمستقیم بر سایر متغیرهای بازار از جمله اهرم مالی، سرمایه گردش و اطمینان سهامداران تاثیرگذار باشد (گارسیا و همکاران، ۲۰۰۹).

معاملات با اشخاص وابسته نیز ممکن است موجب استغناهی سهامداران، مدیران و سایر کنترل‌کنندگان واحد انتفاعی و ایجاد هزینه برای طرف‌های غیروابسته در این معاملات گردد. این مهم می‌تواند از طریق خرید و فروش دارایی‌ها، کالاها، خدمات، دریافت وام‌هایی با شرایط مطلوب و با استفاده از دارایی‌های شرکت به عنوان تضمین تسهیلات شخصی انجام گیرد که خود باعث انتقال ثروت خواهد بود. معاملاتی که عمدتاً به صورت مستقیم توسط سهامداران عمده، مدیران و اعضای هیئت مدیره انجام می‌گیرد تأثیر منفی بر ارزش شرکت و نقش قابل توجهی در رسوایی‌هایی دارد که منجر به شکست شرکت‌ها و گروه‌های بزرگی از شرکت‌ها می‌شود. هر اندازه معاملات اشخاص وابسته در شرکت بیشتر باشد امنیت برای سهامداران جزء پایین‌تر بوده و در نتیجه این امر باعث کاهش ارزش سهام شرکت خواهد شد (نخیلی، مویز، ۲۰۱۱). رسوایی‌های اخیر در ارتباط با معاملات اشخاص وابسته یکی از نگرانی‌های عمده‌ی شرکت‌های سهامی است که اغلب ناشی از معاملات تجاری پیچیده‌ی ناهمگون بین شرکت، سرپرستان، مدیران و یا صاحبان اصلی شرکت می‌باشد. ذینفعان و استفاده‌کنندگان در بازار سرمایه و سایر سهامداران شرکت، عموماً تضادهای منفعتی بالقوه‌ی این معاملات را بررسی می‌کنند (گوردن و همکاران، ۲۰۰۴). تا زمانی که احتمال منحرف نمودن منابع شرکت به واسطه‌ی معاملات با اشخاص وابسته توسط سهام‌دارانی که سرمایه‌ی شرکت را کنترل می‌کنند وجود دارد، سهامداران عمده نیز در مقابل با کاهش ارزش سهام، ارزش شرکت را به طور قابل ملاحظه‌ای می‌توانند کاهش دهند (لی و وانگ، ۲۰۱۶).

امروزه نقش نظام‌های مالیاتی در هر کشوری در تأمین درآمدها از محل منابع مالیاتی بر هیچ کس پوشیده نیست. در بعد اجتماعی، هدف اصلی وضع مالیات، کاهش فاصله تأمین طبقاتی و توزیع مجدد درآمدهاست. هدف اقتصادی از وضع مالیات-ها، تثبیت نوسانات اقتصادی، تخصیص بهینه تأمین منابع بین بخش‌های مختلف و کمک به تسریع فرآیند توسعه بخشی یا منطقه ای می‌باشد و هدف بودجه ای دولت‌ها از وضع مالیات‌ها نیز، تأمین مالی بودجه دولت می‌باشد (دستگیر و طابوسیان، ۱۳۹۳). به دلیل نقش خاص مالیات و تأثیرات آن، موضوع مالیات، قوانین و ساز و کارهای مربوط به آن، از دیر باز مورد توجه صاحب نظران اقتصاد، مالیه عمومی، سیاسیون، تشکل‌ها و حتی عموم مردم قرار داشته است. در حقیقت، مالیات به نوعی، پرداخت هزینه زندگی اجتماعی می‌باشد. با این حال، مالیات بر درآمد منظر شرکت‌ها هزینه است (رجب آتیه و همکاران، ۲۰۱۶) و شرکت‌ها انگیزه خواهند داشت به منظور افزایش ارزش سهام شرکت، تا حد ممکن در هزینه‌های خود صرفه جویی نمایند. مبانی نظری و شواهد تجربی حاکی از آن است که اجتناب مالیاتی می‌تواند ابزاری برای ذخیره مالیات و کاهش

هزینه‌های شرکت و به تبع آن، افزایش ثروت سهامداران باشد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۶). با توجه به اینکه شرکت‌ها بعد از برقراری ارتباطات سیاسی، دسترسی آسانتری به منابع مالی دارند، لذا وجود ارتباطات سیاسی در شرکت‌ها، تصمیمات سرمایه‌گذاران را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، علاوه بر این فرآیند خصوصی‌سازی و کوچک‌سازی دولت و تغییر در ساختار مالکیت موجب تغییر در میزان ارتباطات سیاسی شرکت‌ها می‌گردد. لذا بررسی روابط سیاسی مدیران و معاملات آنها و اجتناب مالیاتی موضوعی است که در چارچوب اقتصاد سیاسی قابل بررسی است. با توجه به مطالب بیان شده مساله اساسی پژوهش حاضر پاسخ به این سوال است که وجود ارتباط سیاسی در شرکت‌ها چه پیامدهایی بر ارزش شرکت دارد. انجام این پژوهش در بورس اوراق بهادار تهران ضروری به نظر می‌رسد، زیرا کشور ایران یک محیط ایده آل برای بررسی اقتصاد سیاسی است. در ایران نیز روابط سیاسی دارای ابعاد پیرنگی است. ایران یکی از بالاترین نسبت شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت را در جهان دارا می‌باشد. پژوهش صورت گرفته در ایران در خصوص حوزه اقتصاد سیاسی ناچیز بوده امید است انجام این پژوهش بتواند اطلاعات سودمندی را در اختیار تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری، مسئولان سازمان بورس اوراق بهادار تهران و سایر ذینفعان قرار دهد و موجبات رشد و توسعه پژوهش و مبانی نظری در این حوزه را فراهم آورد.

پیشینه پژوهش

ونکزی و همکاران (۲۰۱۰) در بررسی ارتباط بین ارزش شرکت و معاملات با اشخاص وابسته طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ در مورد شرکت‌های چینی صورت پذیرفت، به این باور رسیدند که بین معاملات با اشخاص وابسته و ارزش شرکت‌ها رابطه‌ی معکوسی وجود دارد و این قبیل معاملات باعث کاهش در ارزش سهام شرکت می‌گردد.

اینجر و ونسنت (۲۰۱۶) در تحقیقی به بررسی تاثیر مسئولیت اجتماعی بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت در بورس استرالیا با استفاده از اطلاعات ۲۶۲۵ شرکت طی دوره زمانی ۲۰۰۶ الی ۲۰۱۳ پرداختند. مدل‌های رگرسیونی تحقیق با استفاده از روش داده‌های ترکیبی تخمین زده شد. نتایج تحقیق نشان داد که مسئولیت اجتماعی باعث افزایش ارزش شرکت و اجتناب مالیاتی باعث کاهش آن می‌شود. همچنین مسئولیت اجتماعی باعث تعدیل رابطه بین اجتناب مالیات و ارزش شرکت می‌شود.

کیم و ژانگ (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی و سیاست مالیاتی جسورانه پرداختند. دوره زمانی تحقیق آنها سال‌های بین ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۹ بود. نتایج تحقیق آنها نشان داد که ارتباطات سیاسی اثر معناداری سیاست مالیاتی جسورانه دارد و شرکت‌های با ارتباط سیاسی بالاتر از سیاست‌های مالیاتی جسورانه‌تری استفاده می‌نمایند و میزان اجتناب مالیاتی بالاتری دارند.

لینگ و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی تاثیر ارتباطات سیاسی بر تامین مالی خارجی، بیش سرمایه‌گذاری و عملکرد شرکت در بورس چین طی بازه زمانی ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۲ پرداختند. نتایج این تحقیق که با استفاده از اطلاعات ۱۰۳ شرکت انجام گرفته بود نشان داد که بین ارتباطات سیاسی و بازده دارایی (عملکرد شرکت) رابطه منفی وجود دارد. علاوه بر این، شرکت‌هایی که ارتباطات سیاسی قوی‌تری دارند، توسط وام‌های بلند مدت بانکی (تامین مالی خارجی) تامین می‌شوند و احتمال بیشتری برای سرمایه‌گذاری بیش از حد دارند، که تقریباً پازل اثرات نامطلوب ارتباطات سیاسی را در عملکرد ارائه می‌دهد و منجر به کاهش عملکرد مالی می‌شود.

ونگ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی، حسابداری داخلی و ارزش شرکت در بورس اوراق بهادار چین پرداختند. نتایج این پژوهش که با استفاده از اطلاعات ۶۵۸ شرکت طی بازه زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۶ انجام گرفت نشان داد که حذف ارتباطات سیاسی باعث کاهش ۲٪ در ارزش سهام شرکتها می‌شود. همچنین حسابداری داخلی باعث افزایش ارزش شرکت می‌شود. علاوه بر این نتایج نشان داد که حسابداری داخلی می‌تواند رابطه بین ارتباطات سیاسی و ارزش شرکت را تقویت کند.

دارابی و داودخانی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی تاثیر معاملات با اشخاص وابسته بر ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. این پژوهش که با استفاده از اطلاعات نمونه‌ای شامل ۱۵۰ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ انجام گرفت نشان داد که بین معاملات با اشخاص وابسته و ارزش شرکت رابطه‌ی معنادار و منفی وجود دارد. بین بازده نقدی سهام و اندازه‌ی هیئت مدیره با ارزش شرکت رابطه‌ی معناداری وجود ندارد و بین اهرم مالی با ارزش شرکت رابطه‌ی معنادار منفی و بین بازده دارایی‌ها با ارزش شرکت رابطه معنادار مثبتی وجود دارد.

محمودی و فلاح (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین ارتباطات سیاسی هیات مدیره و ارزش شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج این پژوهش که با استفاده از اطلاعات ۸۷ شرکت بورسی طی بازه زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ انجام شده بود نشان داد بین ارتباطات سیاسی هیات مدیره و ارزش شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

بادآورنهدی و تقی زاده خانقاه (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر سرمایه‌گذاری بیشتر از حد و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از اطلاعات ۱۱۰ شرکت طی بازه زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد ارتباطات سیاسی بر سرمایه‌گذاری بیشتر از حد تأثیر مثبتی داشته و بر عملکرد شرکت تأثیر منفی می‌گذارد.

جنت مکان و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی تاثیر ارتباطات سیاسی بر شاخص‌های عملکرد مدیریت مبتنی بر ارزش و هزینه نمایندگی پرداختند. در این پژوهش که با استفاده از اطلاعات ۱۱۳ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ده ساله ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶ انجام گرفت نتایج نشان داد که شرکت‌های دولتی ارتباط مثبت و معناداری با رتبه بندی مدیریت مبتنی بر ارزش دارد. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شرکت‌های با مالکیت نهادی وابسته به دولت ارتباط منفی و معناداری با رتبه بندی مدیریت مبتنی بر ارزش دارد. در فرضیه دوم شرکت‌های با مالکیت نهادی وابسته به دولت ارتباط منفی و معناداری با هزینه نمایندگی دارد. همچنین نتایج پژوهش حاکی از عدم ارتباط معنادار بین شرکت‌های با مالکیت دولتی و هزینه‌های نمایندگی دارد.

فرضیه‌های پژوهش

- با توجه به مبانی نظری پژوهش، فرضیه‌های زیر برای این پژوهش تدوین شده است:
- فرضیه اول: ارتباطات سیاسی بر ارزش شرکت تاثیر معناداری دارد.
 - فرضیه دوم: اجتناب مالیاتی بر ارزش شرکت تاثیر معناداری دارد.
 - فرضیه سوم: معاملات با اشخاص وابسته بر ارزش شرکت تاثیر معناداری دارد.

فرضیه چهارم: ارتباطات سیاسی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و ارزش شرکت تاثیر معناداری دارد.
فرضیه پنجم: ارتباطات سیاسی بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت تاثیر معناداری دارد.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر نوع هدف؛ کاربردی و از نظر شیوهی انجام و ماهیت، از نوع پژوهش‌های توصیفی و از نظر فلسفه جزء پژوهش‌های اثباتی حسابداری است. از نظر فرآیند اجرا از نوع پژوهش‌های کمی و از نظر منطق اجرا نیز جزء پژوهش‌های با رویکرد قیاسی - استقرایی بوده و از نظر بعد زمانی نیز از نوع پژوهش‌های طولی - گذشته‌نگر بوده و از اطلاعات تاریخی شرکت‌های نمونه استفاده می‌شود. برای برآورد مدل رگرسیون و آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش اقتصاد سنجی داده‌های ترکیبی استفاده می‌شود. اطلاعات مورد نیاز شرکت‌ها نیز از بانک اطلاعاتی رهاورد نوین و وبگاه الکترونیکی سازمان بورس اوراق بهادار استخراج شده و فرضیه‌های پژوهش نیز بر اساس داده‌های ترکیبی و به کمک نرم افزار Eviews ۱۰ آزمون می‌شوند. همچنین برای تایید یا رد فرضیات از آماره‌ی تی - استیودنت (t) و سطح خطای ۵٪ استفاده خواهد شد. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر نیز، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از ابتدای سال ۱۳۸۸ تا پایان سال ۱۳۹۷ به مدت ۱۰ سال بوده است که در طی این دوره عضویت خود را در بورس اوراق بهادار حفظ کرده‌اند. افزون بر این، جامعه‌ی آماری با استفاده از شرایط زیر تعدیل شده است:

- ۱) شرکت باید قبل از سال ۱۳۸۸ در بورس پذیرفته شده و از ابتدای سال ۱۳۸۸ سهام آن در بورس معامله شده باشد؛
- ۲) پایان سال مالی شرکت پایان اسفند ماه بوده و در طول دوره‌ی تحقیق نیز، تغییر سال مالی نداشته باشد؛
- ۳) اطلاعات مالی شرکت در دسترس بوده باشد؛
- ۴) از مجموعه شرکت‌های سرمایه گذاری، هلدینگ و واسطه‌ای مانند بانک و بیمه نباشد. پس از اعمال این محدودیت‌ها، ۱۲۵ شرکت، همه‌ی شرایط حضور در جامعه‌ی آماری را داشته‌اند.

اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته: ارزش شرکت

بیانگر نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت و ارزش دفتری بدهی‌ها به ارزش دفتری دارایی‌های شرکت می‌باشد، که برای محاسبه آن از رابطه زیر استفاده شده است (دارایی و داوودخانی، ۱۳۹۴):

رابطه‌ی (۱)

$$Q. TOBIN_{it} = \frac{MV_{it} + DEBT_{it}}{BV_{it}}$$

MV: ارزش بازار حقوق صاحبان سهام = تعداد سهام * قیمت بازار سهام

DEBT: کل ارزش دفتری بدهی و BV: کل ارزش دفتری دارایی‌ها می‌باشد.

متغیرهای مستقل:

اجتناب مالیاتی (taxavoidance)

برای محاسبه اجتناب مالیاتی از روش های متعددی که عموماً مبتنی بر نرخ موثر مالیاتی می باشد استفاده می شود. نکته قابل توجه اینکه برای بررسی مقدار اجتناب مالیاتی می بایست با توجه به شرایط محیطی، از مدلی استفاده نمود که بتوان فعالیت های اجتناب مالیاتی شرکت ها را بهتر اندازه گیری نمود. در این خصوص بدیهی است که می بایست همواره به قوانین و مقررات مالیاتی محیط (کشور) مورد بررسی توجه لازم نمود (مهرانی و سیدی، ۱۳۹۳؛ قرنجیک و گرکز، ۱۳۹۷). لذا اجتناب مالیاتی از طریق نسبت مالیات نقدی پرداختی به سود حسابداری قبل از مالیات محاسبه می شود که در پژوهش های هیترمن و اوگنوا (۲۰۱۶)، مشایخی و علی پناه (۱۳۹۴)، شعری و حسنی القار (۱۳۹۶) و بندریان و موسوی (۱۳۹۹) نیز از این نسبت استفاده شده است:

رابطه (۲)

$$\text{taxavoidance}_{it} = \frac{\text{مالیات نقدی پرداختی}}{\text{سود حسابداری قبل از مالیات}}$$

این نرخ نشان می دهد مالیات نقدی قابل پرداخت چند درصد سود حسابداری قبل از کسر مالیات می باشد. هرچه اندازه این شاخص بزرگتر باشد سطح اجتناب از مالیات کمتر است (بندریان و موسوی، ۱۳۹۹).

ارتباطات سیاسی (Polcon)

در این تحقیق جهت اندازه گیری ارتباطات سیاسی از مطالعات انجام شده توسط فان و وانگ (۲۰۰۶)، فان و همکاران (۲۰۰۸)، لین و همکاران (۲۰۱۵)، آریفورخان و همکاران (۲۰۱۶) و ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۷) پیروی شده است و از دو معیار بدهی بلندمدت و نسبت مالکیت به شرح زیر استفاده شده است:

الف) نسبت بدهی های بلندمدت به کل بدهی ها در هر سال برای هر شرکت محاسبه شده است. شرکت هایی که نسبت بدهی های بلندمدت به کل بدهی های آن ها بیشتر از میانه سایر شرکت ها می باشد به عنوان شرکت های دارای روابط سیاسی می باشند و به آن عدد یک اختصاص می یابد و به سایر شرکت ها عدد صفر اختصاص یافته است.

ب) مطابق با پژوهش رهنمای رودپشتی و محسنی (۱۳۹۷) درصد مالکیت مستقیم یا نهادی دولت به عنوان نماینده متغیر ارتباطات سیاسی از طریق دولت در نظر گرفته شده است. در صورتی که درصد مالکیت مستقیم یا غیر مستقیم دولت و نهادهای دولتی در شرکتی بیش از ۲۰٪ باشد، مقدار این متغیر برابر یک و در غیر این صورت، صفر در نظر گرفته می شود. لذا شرکت هایی که دارای هر دو معیار فوق باشند به عنوان شرکت دارای ارتباط سیاسی در نظر گرفته شده است. بدین صورت که شرکتی که همزمان این دو معیار را داشته باشد عدد ۱ را اختیار می کند و در غیر این صورت صفر را اختیار می کند.

معاملات با اشخاص وابسته (Related): در این پژوهش برای سنجش متغیر معاملات با اشخاص وابسته، مطابق با شاخص به کار گرفته شده کوآن و همکاران (۲۰۱۱) از جمع کل مبالغ معاملات با اشخاص وابسته افشا شده در یادداشت های همراه صورت های مالی سالانه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تقسیم بر مجموع دارایی های ابتدای دوره شرکت، استفاده می شود (نجاری و برزگر، ۱۳۹۴؛ اسماعیل زاده مقری و همکاران، ۱۳۹۵؛ حبیب و همکاران، ۲۰۱۸).

متغیرهای کنترلی

به پیروی از پژوهش های حبیب و همکاران (۲۰۱۸)، حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۷)، رهنمای رودپشتی و محسنی (۱۳۹۷) و دیدار و همکاران (۱۳۹۸) از متغیرهای کنترلی زیر استفاده می شود:

نسبت جریان نقد عملیاتی (CFO): این متغیر از طریق نسبت جریان نقد عملیاتی (قابل استخراج از صورت گردش وجه نقد) به جمع کل دارایی‌های شرکت بدست می‌آید.

بازده دارایی (ROA): عبارت است از سود خالص قبل از ارقام غیر عادی تقسیم بر مجموع دارایی‌ها.

اندازه شرکت (SIZE): عبارت است از لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های هر شرکت در هر سال (حبیب و همکاران، ۲۰۱۸).

اهرم مالی (leve): عبارت است از نسبت مجموع بدهی‌ها به مجموع دارایی‌های شرکت در هر سال (بندریان و موسوی، ۱۳۹۹).

اندازه هیات مدیره (BSIZE): عبارت است از تعداد اعضای هیات مدیره شرکت در هر سال

استقلال هیات مدیره (Bind): عبارت است از نسبت اعضای غیرموظف به مجموع اعضای هیات مدیره در هر سال (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۷).

زیان شرکت (LOSS): در صورتی که شرکت در سال جاری دارای زیان داشته باشد، برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر می‌باشد.

مدل‌های پژوهش

به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش به پیروی از پژوهش‌های لینگ و همکاران (۲۰۱۶) و ونگ و همکاران (۲۰۲۰) از مدل رگرسیونی چندمتغیره زیر استفاده شده است:

$$Q.Tobin_{it} = \beta_0 + \beta_1 Polcon_{it} + \beta_2 Tax.Avoid_{it} + \beta_3 Related_{it} + \beta_4 Polcon_{it} * Tax.Avoid_{it} \\ + \beta_5 Polcon_{it} * Related_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 leve_{it} + \beta_8 CFO_{it} + \beta_9 ROA_{it} \\ + \beta_{10} BSIZE_{it} + \beta_{11} Bind_{it} + \beta_{12} LOSS_{it} + \varepsilon$$

که در این مدل:

Q. Tobin: نسبت کیوتوبین، Polcon: ارتباطات سیاسی، Tax. Avoid: اجتناب مالیاتی، Related: معاملات با اشخاص وابسته، leve: اهرم مالی، CFO: جریان نقد عملیاتی، ROA: بازده دارایی، BSIZE: اندازه هیات مدیره، Bind: استقلال هیات مدیره، SIZE: اندازه شرکت، Loss: زیان شرکت و ε جز اخلاص مدل می‌باشند.

یافته‌های پژوهش

آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش به شرح جدول (۱) می‌باشد. میانگین اجتناب مالیاتی شرکت‌های مورد بررسی طی سال‌های مورد آزمون ۰٫۱۸ است. در حالی که طبق ماده ۱۴۳ قانون مالیات‌های حداقل نرخ مالیاتی قانونی ۲۲٫۵ درصد برای شرکت‌های بورسی می‌باشد. این انحراف از نرخ قانونی بیانگر وجود فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده مالیاتی از جمله اجتناب مالیاتی است. میانگین متغیر ارزش شرکت ۳٫۴۰ بوده است که نشان دهنده میانگین ارزش روز شرکت‌های نمونه بالاتر از ارزش اسمی آن‌ها است و با توجه به تورم و ایجاد فاصله بین قیمت اسمی و بازار در بازار بورس ایران این موضوع منطقی است. همچنین میانگین معاملات با اشخاص وابسته نیز ۰٫۱۷ مجموع دارایی‌ها بوده است که نشان می‌دهد به طور میانگین شرکت‌ها دارای معاملات با اشخاص وابسته و شرکت‌های فرعی و گروه زیر مجموعه خود می‌باشند.

جدول (۱): آماره های توصیفی پژوهش

چولگی	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	میان	میانگین	
۰,۱۷	۰,۵۷	۲,۵۴	۵,۶۳	۳,۳۴	۳,۴۰	نسبت کیوتوبین
۰,۳۱	۰,۱۵	۰,۱۰	۰,۲۳	۰,۲۰	۰,۱۸	اجتناب مالیاتی
-۰,۰۴	۰,۰۶	۰,۰۳	۰,۲۵	۰,۱۹	۰,۱۷	معاملات با اشخاص وابسته
۰,۲۶	۰,۲۹	۰,۰۸	۰,۷۳	۰,۵۹	۰,۶۴	اهرم مالی
-۰,۴۵	۰,۱۲	-۰,۱۰	۰,۶۰	۰,۴۰	۰,۴۷	جریان نقد عملیاتی
۰,۷۹	۰,۷۷	۴,۴۶	۷,۹۱	۵,۸۸	۵,۹۵	اندازه شرکت
۰,۲۸	۰,۱۷	-۰,۳۳	۱,۸۵	۰,۲۱	۰,۲۵	بازده دارایی
۰,۳۶	۰,۲۵	۳	۷	۳	۵,۵۰	اندازه هیات مدیره
۰,۲۳	۰,۱۷	۰,۲۰	۰,۶۰	۰,۳۵	۰,۴۱	استقلال هیات مدیره
۱۲۵۰	۱۲۵۰	۱۲۵۰	۱۲۵۰	۱۲۵۰	۱۲۵۰	مشاهدات

جدول (۲): آماره های توصیفی متغیرهای کیفی پژوهش

متغیرهای کیفی	فراوانی کد ۱	فراوانی کد ۰	درصد فراوانی کد ۱	درصد فراوانی کد ۰
ارتباط سیاسی	۴۰۰	۸۵۰	۰,۳۲	۰,۶۸
زیان شرکت	۲۱۲	۱۰۳۸	۰,۱۷	۰,۸۳

متغیرهایی که به دو مقدار صفر و یک محدود می‌شوند آمار توصیفی آنها به صورت میانگین و میان و ... کارایی نداشته و مفهومی را بیان نمی‌کند. این متغیرها باید از نظر تعداد فراوانی و درصد فراوانی بررسی شوند. لذا فراوانی شرکت‌هایی که دارای ارتباطات سیاسی بوده‌اند از مجموع ۱۲۵۰ مشاهده، ۴۰۰ مشاهده آن با درصد فراوانی ۰,۳۲ بوده که نشان می‌دهد حدوداً ۰,۳۲ از شرکت‌های نمونه دارای ارتباطات سیاسی از طریق اخذ وام‌های بلندمدت یا نسبت مالکیت عمده و قابل نفوذ بیشتر از ۲۰٪ هستند و شرکت‌هایی که فاقد ارتباطات سیاسی بوده و یا ارتباطات سیاسی در آنها ضعیف است و عدد صفر را اختیار کرده‌اند از مجموع ۱۲۵۰ مشاهده، تعداد ۸۵۰ مشاهده بوده که درصد فراوانی آن‌ها نیز ۰,۶۸ بوده است. همچنین فراوانی شرکت‌هایی که در یک سال زیان خالص گزارش کرده‌اند از مجموع ۱۲۵۰ مشاهده؛ تعداد ۲۱۲ مشاهده بوده که به آنها کد ۱ اختصاص داده شد و درصد فراوانی آن‌ها نیز حدوداً ۰,۲۸ می‌باشد. سایر شرکت‌ها که دارای سود خالص بوده‌اند نیز دارای فراوانی ۱۰۳۸ با درصد فراوانی ۰,۸۳ می‌باشند.

تخمین مدل به وسیله داده‌های ترکیبی

برای انتخاب بین روش‌های داده‌های تابلویی و داده‌های تلفیقی، از آزمون چاو استفاده شد. در آزمون چاو، فرضیه H_0 یکسان بودن عرض از مبدأها (داده‌های تلفیقی) در مقابل فرضیه مخالف H_1 ، ناهمسانی عرض از مبدأها (روش داده‌های تابلویی) قرار می‌گیرد. نتایج آزمون چاو در جدول شماره (۳) ارائه شده است.

جدول (۳): نتایج آزمون F لیمر یا چاو (همسانی عرض از مبدأهای مقاطع)

نوع روش	نتیجه آزمون	سطح خطا	آماره F	آزمون چاو
داده‌های تابلویی	H ₀ رد می‌شود	۰,۰۰	۳,۶۲	H ₀ : یکسانی عرض از مبدأهای مقاطع

همان طور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، آماره‌ی F در سطح خطای ۵ درصد معنی‌دار است (سطح خطا کوچکتر از ۵٪)، بنابراین، آزمون چاو، مشابه بودن عرض از مبدأ در تمام دوره‌ها را به طور قوی رد کرده است. از این رو، در این آزمون روش اثرات ثابت پذیرفته می‌شود. در مرحله‌ی بعد، روش اثرات ثابت در مقابل روش اثرات تصادفی آزمون می‌شود. برای این کار از آزمون هاسمن استفاده شده است. نتایج آزمون هاسمن در جدول (۴) ارائه شده است:

جدول (۴): نتایج آزمون هاسمن

نوع روش	نتیجه آزمون	سطح خطا	کای اسکوئر	آزمون هاسمن
اثرات ثابت	H ₀ رد می‌شود	۰,۰۲	۱۴,۵۷	وجود ارتباط بین متغیر مستقل و خطای تخمین

با توجه به اینکه آماره‌ی محاسباتی آزمون هاسمن برای مدل تحقیق در سطح خطای ۵ درصد معنی‌دار شده است (کمتر از ۵٪)، بنابراین، فرض یک این آزمون مبنی بر وجود رابطه بین اثرات فردی و متغیرهای توضیحی پذیرفته شده است؛ از این رو، برای برآورد مدل‌های تحقیق از روش اثرات ثابت استفاده خواهد شد.

آزمون ناهمسانی واریانس

یکی از پیش فرض‌های رگرسیون عدم وجود ناهمسانی واریانس باقیمانده مدل می‌باشد با توجه به تأثیر مهم ناهمسانی واریانس بر برآورد، انحراف معیار و استنباط آماری، لازم است تا قبل از پرداختن به هرگونه تخمین وجود و یا عدم وجود ناهمسانی واریانس تحقق یابد. برای همسانی واریانس باقیمانده مدل از آزمون‌های بروش-پاگان گادفری، آزمون آرچ، آزمون گلبجر و آزمون وایت استفاده شد که نتایج آزمون‌ها نشان دهنده عدم همسانی واریانس بوده و به عبارتی باقی مانده‌های حاصل از تخمین مدل تحقیق، دارای واریانس ثابت نبوده است. لذا برای تخمین مدل‌های تحقیق از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (EGLS) به جای حداقل مربعات معمولی (OLS) استفاده می‌شود.

جدول (۵): نتایج آزمون همسانی واریانس باقیمانده‌های مدل رگرسیون

روش تخمین	نتیجه	آزمون وایت	آزمون آرچ	آزمون بروش پاگان	
EGLS	ناهمسانی واریانس	۳,۶۰	۲۰۹,۷	۴,۲۲	آماره F
		۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	p.v

تخمین مدل پژوهش

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها برای آزمون فرضیه‌های پژوهش در جدول (۶) نشان داده شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، معنی‌داری آماره فیشر (۱۰۵,۶۸) در سطح ۵٪ حاکی از معنی‌داری کلی مدل برآورد شده است بنابراین،

مدل تحقیق در کل معنی دار بوده و متغیرهای مستقل و کنترلی توانایی توضیح متغیر وابسته را دارند. علاوه بر این ضریب تعیین تعدیل شده (R2) ۰,۴۷۱ است. این عدد نشان می‌دهد که تقریباً ۴۷٪ از تغییرات متغیر وابسته را می‌توان به متغیرهای مستقل و کنترلی نسبت داد و ۵۳٪ دیگر ناشی از سایر عوامل بوده که از دسترس محقق خارج می‌باشد. هر چه مقدار این شاخص بزرگتر باشد پراکندگی نقاط حول خط رگرسیون بیشتر خواهد بود. مقدار آماره دوربین واتسون (۱,۹۹) حاکی از عدم وجود مشکل خودهمبستگی سریالی مرتبه اول در اجزای اخلاص مدل برآورد شده است، لذا نتایج مدل برآورد شده کاذب نیست و تخمین مدل قابل اتکاست (نرمال آن باید بین ۱,۵ تا ۲,۵ باشد). مقدار شاخص عامل تورم واریانس (VIF) نیز نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل مدل اول با هم مشکل همخطی شدید ندارند. زمانی که مقدار آماره VIF کمتر از ۵ (در برخی دیگر از منابع عدد ۱۰ نیز ذکر شده است) باشد، شواهدی از وجود همخطی چندگانه بین متغیرهای مستقل مدل وجود ندارد.

جدول (۶): نتایج آزمون مدل تحقیق در سطح داده‌های ترکیبی به روش EGLS

$Q. Tobin_{it} = \beta_0 + \beta_1 Polcon_{it} + \beta_2 Tax. Avoid_{it} + \beta_3 Related_{it} + \beta_4 Polcon_{it} * Tax. Avoid_{it} + \beta_5 Polcon_{i,t} * Related_{i,t} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 leve_{i,t} + \beta_8 CFO_{i,t} + \beta_9 ROA_{i,t} + \beta_{10} BSIZE_{it} + \beta_{11} Bind_{it} + \beta_{12} LOSS_{it} + \varepsilon$					
VIF	سطح خطا	تی استیودنت	ضریب	متغیر	شرح
	۰,۰۰	۴,۴۶	۲,۸۵		عرض از مبدأ
۱,۰۱	۰,۰۰	-۲,۵۱	-۰,۰۹	ارتباطات سیاسی	Polcon
۱,۰۳	۰,۰۴	-۲,۰۶	-۰,۰۷	اجتناب مالیاتی	Tax. Avoid
۱,۰۱	۰,۰۰	-۳,۰۴	-۰,۱۱	معاملات با اشخاص وابسته	Related
۱,۰۱	۰,۰۴	-۱,۹۸	-۰,۱۵	ارتباطات سیاسی * معاملات با اشخاص وابسته	Polcon* Related
۱,۰۵	۰,۰۳	-۲,۱۱	-۰,۱۷	ارتباطات سیاسی * اجتناب مالیاتی	Polcon* TAX. Avoid
۱,۱۸	۰,۰۰	۳,۱۱	۰,۰۱	اندازه شرکت	SIZE
۱,۰۲	۰,۰۴	-۱,۹۹	-۰,۰۶	اهرم مالی	leve
۱,۰۲	۰,۰۱	۲,۳۶	۰,۰۷	جریان نقد عملیاتی	CFO
۱,۰۵	۰,۰۰	۵,۱۶	۰,۱۰	بازده دارایی	ROA
۱,۰۱	۰,۰۰	۳,۰۲	۰,۰۸	اندازه هیات مدیره	BSIZE
۱,۰۲	۰,۰۰	۲,۸۵	۰,۱۰	استقلال هیات مدیره	Bind
۱,۰۲	۰,۰۴	-۲,۰۴	-۰,۰۶	زیان شرکت	LOSS
			ضریب تعیین تعدیل شده		
۰,۴۷۱					
(۰,۰۰۰) ۱۰۵,۶۸			آماره رگرسیون (سطح خطا)		
۱,۹۹			دوربین واتسن		

فرضیه‌ی اول: "ارتباطات سیاسی بر ارزش شرکت تاثیر معناداری دارد." با توجه به نتایج آماره‌ی t مربوط به متغیر مستقل ارتباطات سیاسی (Polcon) و سطح معناداری آن (p.v) به ترتیب ۲,۵۱- و ۰,۰۰ بوده و ضریب آن نیز ۰,۰۹- می‌باشد. به عبارتی با ۰,۰۱ افزایش در میزان ارتباطات سیاسی، ارزش شرکت به

میزان ۰,۰۹ کاهش می‌یابد. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۰/۰۵ بوده است، بنابراین متغیر ارتباطات سیاسی تاثیر معناداری بر ارزش شرکت داشته و این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تایید قرار می‌گیرد. فرضیه ی دوم: "اجتناب مالیاتی بر ارزش شرکت تاثیر معناداری دارد."

با توجه به نتایج آماره ی t مربوط به متغیر مستقل اجتناب مالیاتی (Tax. Avoid) و سطح معناداری آن (p.v) به ترتیب ۲,۰۶- و ۰,۰۴ بوده و ضریب آن نیز ۰,۰۷- می‌باشد. به عبارتی با ۰,۰۱ افزایش در میزان اجتناب مالیاتی، ارزش شرکت به میزان ۰,۰۷ کاهش می‌یابد. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۰/۰۵ بوده است، بنابراین متغیر اجتناب مالیاتی تاثیر معناداری بر ارزش شرکت داشته و فرضیه دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تایید قرار می‌گیرد.

فرضیه سوم: "معاملات با اشخاص وابسته بر ارزش شرکت تاثیر معناداری دارد." با توجه به نتایج آماره ی t مربوط به متغیر مستقل معاملات با اشخاص وابسته (Related) و سطح معناداری آن (p.v) به ترتیب ۳,۰۴- و ۰,۰۰ بوده و ضریب آن نیز ۰,۱۱- می‌باشد. به عبارتی با ۰,۰۱ افزایش در میزان معاملات با اشخاص وابسته، ارزش شرکت به میزان ۰,۱۱ کاهش می‌یابد. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۰/۰۵ بوده است، بنابراین متغیر معاملات با اشخاص وابسته تاثیر معناداری بر ارزش شرکت داشته و فرضیه سوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تایید قرار می‌گیرد. وجود رابطه ی منفی و معنادار بین معاملات با اشخاص وابسته و ارزش شرکت مؤید تئوری تضاد منافع (رفتار فرصت طلبانه) است. تئوری تضاد منافع با مسأله ی نمایندگی سازگار است و بیان می‌دارد که این گونه معاملات به جهت کسب منافع شخصی برای مدیران به کار گرفته می‌شود و موجب متضرر شدن شرکت و سهام داران می‌گردد.

فرضیه چهارم: "ارتباطات سیاسی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و ارزش شرکت تاثیر معناداری دارد." به منظور تفسیر این فرضیه ابتدا باید به ضریب ارتباطات سیاسی توجه شود. همانطور که مشخص است ضریب متغیر مزبور ۰,۰۹- و در سطح اطمینان ۹۵٪ نیز معنادار است و در شرکت‌هایی که دارای ارتباطات سیاسی قوی هستند ارزش شرکت در آنها کمتر است که این مسأله در فرضیه اول نیز مورد پذیرش قرار گرفته بود. حال به ضریب معاملات با اشخاص وابسته توجه می‌شود که این ضریب نیز ۰,۱۱- بوده که در سطح اطمینان ۹۵٪ نیز مورد تایید قرار گرفته و نشان می‌دهد که معاملات با اشخاص وابسته باعث کاهش ارزش شرکت می‌شود. در مرحله بعد ضریب متغیر (معاملات با اشخاص وابسته * ارتباطات سیاسی) مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ ضریب این متغیر ۰,۱۵- بوده و آماره تی استیودنت و سطح معناداری آن نیز به ترتیب ۱,۹۸- و ۰,۰۴ بوده است که نشان از تایید فرضیه در سطح اطمینان ۹۵٪ می‌باشد. در واقع ارتباطات سیاسی زمانی که در معاملات با اشخاص وابسته شرکت‌ها ضرب می‌شود و اثر تعاملی ایجاد می‌کند باعث می‌شود تا تاثیر معاملات با اشخاص وابسته شرکت‌ها از ۰,۱۱- به ۰,۱۵- افزایش می‌یابد لذا ارتباطات سیاسی باعث تشدید و افزایش رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و ارزش شرکت می‌شود. این نتیجه نشان می‌دهد که در شرکت‌هایی که ارتباطات سیاسی قوی است و معاملات با اشخاص وابسته صورت می‌گیرد احتمالاً این معاملات خارج از روال عادی بوده و برای تامین منافع عده‌ای خاص صورت می‌گیرد و سودآوری و بازدهی برای شرکت به دنبال نداشته که این موضوع باعث کاهش ارزش شرکت می‌شود. فرضیه پنجم: "ارتباطات سیاسی بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت تاثیر معناداری دارد."

ضریب ارتباطات سیاسی $0,09-$ و در سطح اطمینان 95% نیز معنادار است و در شرکت‌هایی که دارای ارتباطات سیاسی قوی هستند ارزش شرکت در آنها کمتر است که این مساله در فرضیه اول نیز مورد پذیرش قرار گرفته بود. ضریب اجتناب مالیاتی نیز $0,07-$ بوده که در سطح اطمینان 95% نیز مورد تایید قرار گرفته و نشان می‌دهد که اجتناب مالیاتی باعث کاهش ارزش شرکت می‌شود. در مرحله بعد ضریب متغیر (اجتناب مالیاتی * ارتباطات سیاسی) مورد بررسی قرار می‌دهیم؛ این ضریب $0,17-$ بوده و آماره تی استیودنت و سطح معناداری آن نیز به ترتیب $2,11-$ و $0,03$ بوده است که نشان از تایید فرضیه در سطح اطمینان 95% می‌باشد. در واقع ارتباطات سیاسی زمانی که در اجتناب مالیاتی ضرب می‌شود و اثر تعاملی ایجاد می‌کند باعث می‌شود تا تاثیر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها از $0,07-$ به $0,17-$ افزایش می‌یابد لذا ارتباطات سیاسی باعث تشدید و افزایش رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت می‌شود. این نتیجه نشان می‌دهد که در شرکت‌های با روابط سیاسی بالاتر، میزان استفاده از ارقام تعهدی بالاتر بوده و مدیریت با استفاده از اختیارات خود و ارقام تعهدی حسابداری اقدام به کاهش و دستکاری سود به منظور کاهش مالیات پرداختی می‌نماید تا بتواند میزان پاداش خود را افزایش دهد؛ شرکت‌هایی که دارای روابط گسترده سیاسی با دولت می‌باشند، دولت آنها را به ذخایر نقدی بزرگ از طریق تأمین مالی ارزان و پرداخت مالیات کمتر قادر خواهد ساخت و مدیران این شرکت‌ها از سیاست‌های مالیاتی جسورانه‌تری استفاده می‌نمایند.

نتیجه گیری و پیشنهادات

این پژوهش به بررسی تجربی تاثیر ارتباطات سیاسی، اجتناب مالیاتی و معاملات با اشخاص وابسته بر ارزش شرکت با تاکید بر نظریه اقتصاد سیاسی در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. نتایج پژوهش نشان داد که ارتباطات سیاسی، اجتناب مالیاتی و معاملات با اشخاص وابسته بر ارزش شرکت تاثیر منفی و معنی‌داری دارند. همچنین نتایج نشان داد که ارتباطات سیاسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و اجتناب مالیاتی با ارزش شرکت را تشدید می‌کند به گونه‌ای که هر چه ارتباطات سیاسی قوی‌تر باشد و معاملات با اشخاص وابسته بیشتر باشد منجر به کاهش بازدهی و ارزش شرکت می‌شود. همچنین در شرکت‌هایی که مدیران آن علاوه بر داشتن ارتباطات سیاسی به دنبال اهداف اجتناب مالیاتی نیز هستند ارزش شرکت کاهش می‌یابد.

این نتایج گویای این واقعیت است که شرکت‌هایی که دارای ارتباطات سیاسی قوی هستند، بازدهی کمتری نسبت به دیگر شرکت‌ها که دارای ارتباطات ضعیفی هستند دارند و شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی قوی، احتمال بیشتری وجود دارد که معاملات با اشخاص وابسته شرکت را خارج از روال عادی انجام دهند این نتایج مطابق پژوهش‌های ونکزی و همکاران (۲۰۱۰)، کولیک و همکاران (۲۰۱۰) و دارابی و داودخانی (۱۳۹۴) می‌باشد. از سوی دیگر استراتژی‌های اجتناب از پرداخت مالیات مستلزم پنهان کردن حقایق است که این کار با هدف کاهش میزان مالیات از طریق پنهان کردن حقایق از حسابرسان مالیاتی صورت می‌پذیرد. در نتیجه، اثر معکوسی بر محیط اطلاعاتی شرکت دارد و به مدیران اجازه می‌دهد منافع را از شرکت خارج کنند و به دنبال منافع خود باشند (هزینه نمایندگی) که این فرصت‌طلبی در نهایت باعث کاهش ارزش شرکت می‌شود. به عبارتی مالکان در همه مواقع از اجتناب مالیاتی سود نخواهند برد و ارزشی برای سرمایه‌گذاران محسوب نخواهد شد. دلیل این امر تحمل هزینه‌های نمایندگی مرتبط با فعالیت‌های اجتناب مالیاتی است که سودمند بودن آن را زیر سوال می‌برد. همچنین وجود رابطه منفی بین معاملات با اشخاص وابسته و ارزش شرکت حاکی از تایید تئوری نمایندگی بوده که بیان می‌دارد این گونه معاملات در راستای فرصت‌طلبی مدیریت و کسب منافع شخصی برای مدیران به کار گرفته می‌شود و

موجب متضرر شدن شرکت و سهامداران می‌گردد. به طور کلی این نتایج مطابق پژوهش چانی و همکاران (۲۰۱۲) بوده که معتقدند به دلیل حمایت دولت از ارتباطات سیاسی، در شرکت‌هایی که روابط سیاسی حاکم است، محیط عملیاتی شفاف نیست. در نتیجه کیفیت اطلاعات در شرکت‌های دارای اطلاعات سیاسی پایین‌تر از سایر شرکت‌هاست. به عبارتی مطابق نظریه اقتصاد سیاسی با وجود این‌که که مدیران با ارتباطات سیاسی قوی، دسترسی آسان‌تری به منابع بلند مدت دارند، از این منابع برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های سودآور استفاده نمی‌کنند و جریان‌های نقد آزاد شرکت را برای اهداف سیاسی خود به مصرف می‌رسانند، انجام چنین رویکردی منجر به کاهش ارزش شرکت می‌شود. ارتباطات سیاسی به عملکرد شرکت‌ها آسیب می‌رساند و از لحاظ وضعیت مالی آنها را در موقعیت بدی قرار می‌دهد؛ زیرا مدیران دولتی از طریق نفوذ به شبکه‌های سیاسی می‌توانند وام‌های بانکی کلانی دریافت کنند، اما چون محل مصرف چنین وام‌هایی معمولاً پوشیده است، در بلند مدت نمی‌توانند اصل و فرع بدهی خود را در زمان سررسید پرداخت کنند، بنابراین عملکرد شرکت ضعیف می‌شود. این نتیجه نیز با یافته‌های فاشو (۲۰۰۶)؛ فن و همکاران (۲۰۰۷)، ونکزی و همکاران (۲۰۱۰)، کولیک و همکاران (۲۰۱۰)، اینجر و ونسنت (۲۰۱۶)، لین و همکاران (۲۰۱۵)، لینگ و همکاران (۲۰۱۶)، وانگ و همکاران (۲۰۱۷) و لی و وانگ (۲۰۱۷)، محمودی و فلاح (۱۳۹۶) و بادآورنهدی و تقی زاده خانقاه (۱۳۹۷) همخوانی دارد.

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود که در شرکت‌ها تا حد ممکن از انتخاب مدیران سیاسی برای پست مدیریت ارشد خودداری شود؛ زیرا این مدیران سعی در رشد ارتباطات سیاسی با دیگران دارند و این رویه بر اهداف شرکت تأثیر نامطلوبی می‌گذارد. همچنین به سازمان بورس و اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود که برای رونق اقتصاد بخش خصوصی، تا حد امکان اجازه انتخاب مدیران سیاسی را در پست‌های مدیریت ارشد محدود کنند و سازوکارهای نظارتی ویژه‌ای را برای اقدامات این مدیران در نظر بگیرند. در نهایت اینکه استفاده از سهامداران نهادی، افزایش کیفیت حسابرسی و محدود کردن اقلام تعهدی اختیاری، عامل مهمی در کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه محسوب می‌شود و می‌تواند عملکرد شرکت را بهبود داده و سرمایه‌گذاری شرکت را به مرزهای کارا نزدیک کند. همچنین فرصت‌طلبانه بودن معاملات با اشخاص وابسته یکی از چالش‌های راهبری شرکتی در شرکت‌ها است. بنابراین نظارت مؤثر بر این معاملات و محدود سازی آنها طلایه‌دار اصلاحات راهبری شرکتی در واحدهای تجاری است. از این رو فضای کسب و کار شرکت‌هایی که از این جهت ضعف دارند نیازمند اصلاحاتی است که محافظت از سرمایه‌گذاران را تقویت کند. بر این اساس به مقام‌های بورس پیشنهاد می‌شود نسبت به تدوین مقررات و الزامات قانونی برای اجرایی کردن اصول راهبری شرکتی در مورد شرکت‌های فعال در بورس بپردازند. همچنین باتوجه به تاثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت، لذا در این گونه شرکت‌ها ممکن است به منظور کاهش مالیات، اقدام به تقلب و دستکاری صورت‌های مالی نمایند، هرچند که این اقدامات در کوتاه‌مدت ممکن است موجب کاهش مالیات پرداختی و در نتیجه کاهش خروج وجه نقد و افزایش ارزش شرکت شود اما در بلندمدت با کشف این فعالیت‌های متقلبانه هزینه‌های سنگینی بر شرکت به خصوص سهامداران جزء خواهد داشت، لذا سهامداران در هنگام خرید سهام شرکت‌های با ارتباطات سیاسی باید به این موضوع توجه ویژه‌ای داشته باشند.

منابع

✓ اسماعیل زاده مقری، علی، علی جان زاده، صدیقه، هادیان، سیدامین، (۱۳۹۵)، بررسی اثر معاملات با اشخاص وابسته بر سود سهام نقدی، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۸، شماره ۳۱، صص ۵۷-۷۲.

- ✓ ابراهیمی، سید کاظم، بهرامی نسب، علی، کریمی، اسحاق، (۱۳۹۷)، ارتباطات سیاسی، کیفیت حسابرسی، بحران مالی، هزینه-های نمایندگی، دانش حسابرسی، سال ۱۸، شماره ۷۳، صص ۷۹-۱۰۲.
- ✓ ابراهیمی، سید کاظم، بهرامی نسب، علی، حسن زاده، مهدی، (۱۳۹۶)، واکاوی کیفیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی در پرتو مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی، مدیریت اقتصاد و حسابداری، دوره ۵، شماره ۲، صص ۴۰-۶۱.
- ✓ بندریان، امیرعلی، سیدسعید، موسوی، (۱۳۹۹)، بررسی رابطه بین برنامه ریزی مالیاتی و هزینه های نمایندگی با تاکید بر نقش ارتباطات سیاسی در بورس اوراق بهادار تهران، چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۳، شماره ۳۰، صص ۹۶-۱۱۳.
- ✓ بادآورنهدی، یونس، تقی زاده خانقاه، وحید، (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر سرمایه گذاری بیشتر از حد و عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۵، شماره ۲، صص ۱۸۱-۱۹۸.
- ✓ جنت مکان، حسین، حمیدیان، محسن، حاجیها، زهره، (۱۳۹۸)، بررسی تاثیر ارتباطات سیاسی بر شاخص های عملکرد مدیریت مبتنی بر ارزش و هزینه نمایندگی، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۸، شماره ۳۱، صص ۲۱۵-۲۳۰.
- ✓ حساس یگانه، یحیی، بحشور، اسحاق، شکری کیانی، مسعود، (۱۳۹۷)، بررسی رابطه بین شفافیت گزارشگری مالی و نرخ مؤثر مالیاتی، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۰، شماره ۳۸، صص ۱-۳۰.
- ✓ دارابی، رویا، داوودخانی، محمود، (۱۳۹۴)، تأثیر معاملات اشخاص وابسته بر ارزش شرکت، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۷، شماره ۲۸، صص ۱۳۱-۱۵۲.
- ✓ دستگیر، محسن، طابوسیان، علیرضا، (۱۳۹۶)، بررسی تاثیر ویژگی های نظام راهبری شرکتی بر مدیریت سود و مدیریت مالیاتی در بورس تهران، بررسی های حسابداری دانشگاه شهید چمران، دوره ۴، شماره ۱۴، صص ۷۷-۹۶.
- ✓ دیدار، حمزه، قادری، بهمن، کفعمی، مهدی، (۱۳۹۸)، رابطه بین هزینه های سیاسی و شکاف مالیاتی با رویکرد الگوسازی معادلات ساختاری در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش های تجربی حسابداری، دوره ۸، شماره ۴، صص ۱۶۱-۱۹۴.
- ✓ رهنمای رودپشتی، فریدون، محسنی، عبدالرضا، (۱۳۹۷)، بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی شرکت ها با سود نقدی و بازده سهام در بورس اوراق بهادار تهران، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، دوره ۱۱، شماره ۳۸، صص ۱۲۹-۱۴۴.
- ✓ شعری، صابر، حسنی القار، مسعود، (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی، دانش حسابداری، دوره ۸، شماره ۱، صص ۱۰۷-۱۳۴.
- ✓ قادری، بهمن، دیدار، حمزه، کفعمی، مهدی، (۱۳۹۸)، بررسی رابطه بین هزینه های سیاسی و شکاف مالیاتی: شواهدی تجربی از بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش های تجربی حسابداری مالی، شماره ۴، دوره ۸، صص ۱۶۱-۱۹۴.
- ✓ قرنجیک آرزو، گرکز، منصور، (۱۳۹۷)، بررسی رابطه بین برخی مکانیزم های حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، دوره ۱۸، شماره ۷۰، صص ۱۷۵-۱۹۳.
- ✓ محمودی، مجید، فلاح، رضا، (۱۳۹۶)، بررسی عوامل موثر بر ارزش شرکت های بورسی با تاکید بر تاثیر ارتباطات سیاسی هیات مدیره مطالعه موردی: شرکتهای بورسی ایرانی، پنجمین کنفرانس بین المللی اقتصاد، مدیریت، حسابداری با رویکرد ارزش آفرینی، شیراز، موسسه آموزشی مدیران خبره نارون.
- ✓ مشایخی، بیتا، علی پناه، صبری، (۱۳۹۴)، تاثیر راهبری شرکتی بر رابطه ی بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت، فصلنامه پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی ۷، دوره ۲۵، صص ۵۵-۷۰.

- ✓ مهدی فرد، محمدرضا، رویایی، رمضانعلی، (۱۳۹۴)، مدیریت سیاسی و قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار: آزمون نظریه اقتصاد سیاسی، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، سال هشتم، شماره ۲۵، صص ۱۹-۲۹.
- ✓ مهرانی، ساسان، سیدی، سیدجلال، (۱۳۹۳)، بررسی رابطه مالیات بر درآمد و حسابداری محافظه کارانه، پژوهشنامه مالیات، دوره ۲۲، شماره ۲۳، صص ۱۵۹-۱۸۳.
- ✓ مهرآور، مهدی، کارگر، حامد، آذری جهرمی، فاطمه، بایگان، نگار، (۱۳۹۸)، بررسی ارتباط بین مسئولیت اجتماعی با فرار مالیاتی و مدیریت سود در بورس اوراق بهادار تهران، چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۲، شماره ۷، صص ۴۹-۶۵.
- ✓ مهربان پور محمدرضا، جندقی قمی، محمد، محمدی، منصور، (۱۳۹۶)، بررسی اثر روابط سیاسی شرکتها بر یکارگیری معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته، فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، دوره ۲، شماره ۳، صص ۱۴۷-۱۶۸.
- ✓ نجاری، محمدرضا، برزگر، قدرت اله، (۱۳۹۴)، بررسی ارتباط بین ارتباطات سیاسی با سیاست تقسیم سود و معاملات با اشخاص وابسته در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دومین همایش ملی و دومین همایش بین المللی مدیریت و حسابداری ایران، همدان.
- ✓ Aning Sejati, Y (2009). Political Connection and earning quality :evidence from Malaysia. Phd dissertation, Oklahoma state university. Vol. 33 Iss 4 pp 3-29.
- ✓ Arifur Khan Dessalegn Getie Mihret Mohammad Badrul Muttakin, (2016), "Corporate political connections, agency costs and audit quality", International Journal of Accounting & Information Management, Vol. 24 Iss 4 pp.121-140.
- ✓ Boubakri, N., Guedhami, O., Mishra, D., & Saffar, W. (2012b). Political connections and the cost of equity capital. Journal of Corporate Finance, 18:541-559.
- ✓ Chaney, P. K., Faccio, M. & Parsley, D. C. (2012). The Quality of Accounting Information in Politically Connected Firms. Working paper, Vanderbilt University
- ✓ Faccio, M. (2010), "Differences between politically-connected and non-connected firms: a cross country analysis", Financial Management, Vol. 39 No. 3, pp. 905-928.
- ✓ Faccio, M. (2006). Politically connected firms. Am. Econ. Rev. 96 (1), 369-386
- ✓ Fan, G. & Wang, X. (2006). Marketization index for China's provinces. China: National Economic Research Institute.
- ✓ Fan, J.P.H., Wong, T.J. and Zhang, T. (2007), "Politically-connected CEOs, corporate governance, and post-IPO performance of China's newly partially-privatized firms", Journal of Financial Economics, Vol. 84 No. 2, pp. 330-357.
- ✓ Fisman, R. (2001). Estimating the value of political connections. The American Economic Review, 91(4), 1095-1102
- ✓ Garcia Lara, J.M., Garcia Osma, B. and Neophytou, E. (2009), Earnings Quality In Ex-Post Failed Firms. Accounting and Business Research, 39(2): 119-138.
- ✓ Gordon, E., Henry, E., Palia, D., (2004). Related Party Transactions: Associations with Corporate Governance and Firm Value, Rutgers University.
- ✓ Habib Ahsan, Abdul Haris Muhammadi, Haiyan Jiang. (2018). Political connections, related party transactions, and auditor choice: Evidence from Indonesia, Journal of Contemporary Accounting & Economics, Volume 13, Issue 1, Pages 1-19
- ✓ Harford, J. (1999). Corporate cash reserves and acquisitions. J. Financ. 54, 1969-1997.

- ✓ Heitzman Shane, Maria Ogneva.(2016). Corporate Tax Planning and Stock Returns, Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=2777040>
- ✓ Inger Kerry & Brian Vansant . (2016) .Market Valuation of Tax Avoidance and Corporate Social Responsibility: Does the Market Discount Corporate Robin Hoods?
- ✓ Jensen, M.C. , (1986). Agency cost of free cash flow, corporate finance, and takeovers. Am. Econ. Rev. 76 (2), 323–329.
- ✓ Jianga Haiyan, , Yuanyuan Hub, Honghui Zhangc, Donghua Zhouc.(2019), Benefits of Downward Earnings Management and Political Connection: Evidence from Government Subsidy and Market Pricing, International Journal of Accounting, journal homepage,1-35.
- ✓ Kim, C. & Zhang, L. (2016). Corporate Political Connections and Tax Aggressiveness. Contemporary Accounting Research, 33(1), 78-114.
- ✓ Kohlbeck, M., Mayhew, B.Wang. (2010). Valuation of Firms that Disclose Related Party Transactions, Journal of Accounting Public Policy 29, PP: 115-137.
- ✓ Kuan, L, Tower, G., Rusmin, R., J-L.W. Mitchell Van der Zahn.(2011). Related Party Transactions and Earnings Management. Jurnal Akuntansi & Auditing Indonesia, 14 (2):93–115.
- ✓ Lee, W. & Wang, L. (2016). Do political connections affect stock price crash risk? Firm-level evidence from China. Review of Quantitative Finance and Accounting, 1, 1-34.
- ✓ Leng Ling , Xiaorong Zhou , Quanxi Liang, Pingping Song , Haijian Zeng ,(2016). Political connections, overinvestments and firm performance: Evidence from Chinese listed real estate firms, Finance Research Letters, Contents lists available at ScienceDirect, journal homepage: www.elsevier.com/locate/frl
- ✓ Lin, K. J., Karim, E. K. & Carter, C. (2015). why does China's stock market have highly synchronous stock price movements? An information supply perspective Advances in Accounting, 31(1), 68-791
- ✓ Malmendier,Ulrike,Tate,G,(2008),"Who makes Acquisitions? CEO Overconfidence and the Market's Reaction" Journal of Financial Economics, NO. 89
- ✓ Nekhili, M., Moêz, C. (2011). Related parties Transactions and Firm's Market Value: The French, Case University of Jendouba, Jendouba, Tunisia,pp 74-120.
- ✓ Rejeb Attia, M. B. , Lassoued, N. , and Attia, A. (2016) Political costs and earnings management: evidence from Tunisia. Journal of Accounting in Emerging Economies, 6 (4) , 388-407.
- ✓ Wang, Z., Chen, M.H., Chin, C.L., Zheng, Q. (2020). Managerial ability, political connections, and fraudulent financial reporting. Journal of Accounting and Public Policy, 36: 141-162.
- ✓ Wenxia, G., Fortin ,D. H., Feng, S.L., Desmond, T. (2010). Value Relevance of Disclosed Related Party Transactions, Advances in Accounting, Incorporating Advances in International Accounting 26, PP: 134-141
- ✓ Zhu, C. F. & Li, Z. W. (2008). State ownership and accounting conservatism. Accounting Research, 5: 38–45.